

امتحانات متمرکز عمومی نیمسال اول ۹۹-۱۳۹۸

پایه پنجم ۵ ساله، منقسم ۷ ساله

مهر مدرسه

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علی: شهرستان: استان:

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حرف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حرف

کد امتحان:	۲۹۸۱/۱۴
تاریخ آزمون:	۱۳۹۸/۱۰/۲۴
عنوان:	فقه استدلالی ۳
کتاب:	دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی
محدوده:	جلد اول: حج (ص ۲۹۸-۳۲۷) و جلد دوم: بیع (ص ۴۸-۹)
حذفیات	جلد اول: محرمات احرام از کتاب حج (ص ۲۹۴-۲۸۱)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد ملی: مدرسه علی: شهرستان: استان:

- ۱- بر ساکنان اطراف مکه تا چه فاصله‌ای از مسجد الحرام، حج قران و افراد واجب است؟ ج ۱ ص ۲۴۵
- الف. ۴۵ میل ☐
- ب. ۴۰ میل ☐
- ج. ۴۸ میل ☒
- د. ۵۰ میل ☐

- ۲- بر چه کسی میبت شب سیزدهم در منی واجب است؟ ج ۱ ص ۲۷۴
- الف. من یرتکب الحرام ☐
- ب. من لم یتق الصید ☒
- ج. الاطفال و النساء ☐
- د. من کان مریضاً ☐

- ۳- حکم ارثی که مقدار غیر متمایزی در آن از ربا به دست آمده است، چیست؟ ج ۲ ص ۳۸
- الف. چیزی بر عهده وارث نیست. ☒
- ب. مانند مجهول المالک است. ☐
- ج. خمس باید پرداخت کند. ☐
- د. قدر متیقن را صدقه دهد. ☐

- ۴- مستند اعتبار «قبض ثمن قبل از تفرق» در بیع سلف چیست؟ ج ۲ ص ۴۶
- الف. اطلاق «ووفوا بالعقود» ☐
- ب. روایت خاصه ☐
- ج. سیره عقلاء ☐
- د. اجماع علماء ☒

- ۵- عبارت: «و السعی لتحصيل الاستطاعة غیر لازم و لو بقبول الهبة فیما اذا لم تکن مقیة بالحج» را به همراه دلیل تبیین نمایید. ج ۱ ص ۲۳۷ و ۲۴۱

جواب: سعی در به دست آوردن استطاعت لازم نیست حتی اگر با قبول هبه شخص مستطیع گردد زیرا به دست آوردن مقدمه واجب، واجب نیست، اما اگر هبه حج باشد یعنی شخصی هدیه دهد برای خرج سفر حج در این صورت با توجه به روایات فراوانی که دلالت می‌کند بر «من عرض علیه الحج وجب علیه» در این صورت هبه نیز مصداق عرض علیه الحج است در نتیجه، حج بر او واجب می‌گردد.

- ۶- مؤلف از روایت: «سئل ابو عبد الله (ع) : من این یجرد الصبیان؟ فقال: کان ابی یجردهم من فح» چگونه بر وجوب لباس احرام استدلال می‌کند؟ ج ۱ ص ۲۵۱

جواب: اگر لازم نبود لباس احرام پوشیده شود دیگر معنا نداشت که امام تا فح خارج کردن لباس از تنشان را به تأخیر می‌انداخت، بلکه مناسب بود که امام لباس آن‌ها در نیابرد. (لباس آن‌ها را عوض نکند)

- ۷- فرع «يعتبر الاختيار فی الخطوات لقوله تعالى «و الیطوفوا بالبيت العتيق» را توضیح داده و چگونگی استدلال به آیه شریفه را بیان کنید. ج ۱ ص ۲۶۱ (امتحانات متمرکز مجدد ۹۳-۹۲)

جواب: الف) در طواف لازم است که شخص با اختیار خود قدم بردارد نه اینکه شلوغی جمعیت او را به جلو براند به گونه‌ای که راه رفتن او صادق نباشد. (۱ نمره)
ب) آیه شریفه بر این مطلب دلالت دارد که شخص مکلف باید طواف را انجام دهد در حالی که اگر بی‌اختیار راه رود نمی‌توان طواف را به مکلف نسبت داد. (۱ نمره)

۸- با توجه به عبارت «بعد الافاضة من المزدلفة الى منى يلزم رمى جمرة العقبة بسبع حصيات مع احراز وصولها اليها بالرمى» به سؤالات

زیر پاسخ دهید. ج ۱ ص ۲۶۸ (امتحانات متمرکز مجدد ۹۵-۹۴)

الف) دلیل اعتبار احراز اصابت سنگریزه چیست؟ (۰/۷۵ نمره)

جواب: مطلوب و درخواست شارع، رمی جمره است نه مطلق رمی و اشتغال یقینی، فراغ یقینی لازم دارد.

ب) در صورت شک در اصابت وظیفه مکلف چیست؟ (۰/۷۵ نمره)

در صورت شک عدم تحقق اصابت، واجب استصحاب می شود.

ج) قید «بالرمی» چه چیزی را خارج می کند؟ (۰/۵ نمره)

جواب: وضع را خارج می کند زیرا رمی با وضع، مغایرت دارد و با وضع، عنوان رمی مورد نظر شارع صدق نمی کند.

۹- معاطاة چیست؟ چگونه می توان لزوم ملکیت در معاطاة را به واسطه آیه شریفه «اوفوا بالعقود» اثبات نمود؟ ج ۲ ص ۱۲

جواب: معامله و داد و ستد بدون لفظ را معاطات گویند. (۰/۵ نمره) آیه شریفه مطلق بوده و شامل انواع عقود می شود و وفای به عقد نیز به معنای این است که عقد تمام بوده و نمی توان آن را نقض نمود. از طرفی معاطاة نیز نوعی عقد به شمار می رود (عقد فعلی) بنابراین وفای آن واجب بوده و نقض آن جایز نیست و این همان معنای لزوم عقد می باشد. (۱/۵ نمره)

۱۰- عبارت: «... والا كان العقد فضولياً تتوقف على الاجازة و في كون الاجازة كاشفة او ناقلة خلاف» را تبیین کرده، مثالی برای ثمره خلاف

بنویسید. ج ۲ ص ۱۸

جواب: عقد شخصی که مالکیت تصرف در عوضین معامله نداشته باشد، را عقد فضولی می گویند که صحت این عقد متوقف بر اجازه مالک است و اجازه دو تفسیر دارد؛ ۱- اجازه مالک برای عقد فضولی، کاشف است یعنی عقد موثر است از همان زمانی که عقد واقع شده است و در نتیجه ملکیت در زمان عقد منتقل شده است. ۲- اجازه مالک برای عقد فضولی، ناقل است یعنی عقد از زمان اجازه موثر است، در نتیجه ملکیت بعد از اجازه منتقل می شود. ثمره خلاف: شخصی گوسفند آبستنی را به عقد فضولی فروخته است و مالک بعد از به دنیا آمدن بره، عقد را اجازه می دهد، اگر قاتل به کشف باشیم، خریدار مالک بره است اما اگر قاتل به نقل باشیم خریدار مالک بره نیست.

۱۱- مراد از خيار شرط و خيار تخلف شرط را تبیین کرده، یک دلیل برای ثبوت هر کدام به اختصار ذکر نمایید. ج ۲ ص ۲۷ و ۲۶

جواب: خيار شرط: اگر متعاملین در عقد حق فسخ را برای خود یا یکی از آنها یا شخص دیگر شرط بکنند حق فسخ ثابت است. دلیل: تمسک به قاعده «المسلمون عند شروطهم» [دلیل دیگر در کتاب] خيار تخلف شرط: هرگاه شرطی را ضمن عقد شرط کنند که مخالف شرع و مقتضای عقد نباشد در این صورت وفای به آن واجب است و در صورت تخلف، خيار برای شرط کننده ثابت است. دلیل: تمسک به بناء عقلاء بر ثبوت خيار هنگام تخلف شرط [دلیل دیگر در کتاب]

۱۲- اشکال مطرح در عبارت: «وقد يقال: ان نفي الامام(ع) البيع بقوله: (و الا فلا بيع له) يدل على بطلان البيع اما من الاساس او بعد الثلاثة دون ثبوت خيار للبائع و بذلک لاتكون دالة على ماذهب اليه المشهور» را بر استدلال بر ثبوت خيار تاخير تبیین کرده، جواب آن را بنویسید.

ج ۲ ص ۳۳

جواب: اشکال کرده اند بر استدلال برای ثبوت خيار تاخير به صحیحة (...قال: ان جاء فيما بينه وبين ثلاثة أيام و الا فلا بيع له) که امام بیع را نفی کرده است و نفی بیع دلالت بر بطلان دارد (یا از ابتدا و یا بعد از سه روز) پس طبق روایت، دلالت بر مدعی مشهور که ثبوت خيار است ندارد. جواب: شاید بتوان اینگونه پاسخ داد که مقصود روایت آسان نمودن امر برای بایع است که این آسانی به وسیله عدم لزوم عقد ثابت می شود و اما اینکه بایع نتواند بیشتر از سه روز برای مشتری صبر کند از روایت فهمیده نمی شود.